

شاخصه‌های برتری رسول اکرم بر پیامبران

برخی دلایل قرآنی برتری پیامبر اعظم بر سایر پیامبران بزرگ خدا از زبان و قلم استاد گرانقدر آیت‌الله جوادی آملی...



برخی دلایل قرآنی برتری پیامبر اعظم بر سایر پیامبران بزرگ خدا از زبان و قلم استاد گرانقدر آیت‌الله جوادی آملی به مناسبت رحلت پیامبر خاتم، حضرت محمد(ص) در این نوشتار، برخی دلایل قرآنی برتری پیامبر اعظم بر سایر پیامبران بزرگ خدا را از زبان و قلم استاد گرانقدر آیت‌الله جوادی آملی که در کتاب سیره رسول اکرم در قرآن، آمده است، از نظر می‌گذرانیم.

در این کتاب آیت الله جوادی آملی آورده است که با بررسی چند مطلب، برتری پیامبر اسلام(ص) بر سایر پیامبران اولوالعزم اثبات می‌شود.

۱. بشارت حضرت مسیح

خدای سبحان از زبان حضرت عیسی (علیه السلام) می‌فرماید: ومبشراً برسول يأتي من بعدي اسمه أحمد[۱]: به شما بشارت می‌دهم وجود پیامبری پس از خود را که نام [مبارک] او احمد صلی الله علیه و آله و سلم است. اگر پیغمبر خاتم در سطح انبیای گذشته یا در سطح رسالت عیسی مسیح (علیه السلام) سخن گفته باشد اولاً نیازی به آمدن پیغمبر نبود، ثانیاً مجالی برای بشارت نبود چون پیغمبر جدید سخن تازه‌ای نمی‌آورد تا حضرت عیسی (علیه السلام) به آمدنش بشارت دهد. سخن عیسی مسیح که من کتاب آسمانی پیامبر گذشته را تصدیق می‌کنم و آمدن پیامبری را در آینده بشارت می‌دهم، نشان می‌دهد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از حضرت عیسی (علیه السلام) افضل و قرآن از انجیل بالاتر و ره‌آورد پیغمبر اسلام بیش از ره‌آورد مسیح (علیه السلام) است تا معنای بشارت تحقق یابد.

۲. هیمنه قرآن بر کتب انبیای پیشین

خداوند می‌فرماید: همه انبیا حق آوردند ولی کتب انبیای گذشته، زیر هیمنه و سیطره و نفوذ قرآن کریم حفظ می‌شود؛ وقتی خدا قرآن را مَهِیْمَن بر کتب انبیای پیشین قرار داده، چون کمال علمی هر پیامبری در کتاب آسمانی او و کمال علمی پیغمبر خاتم نیز در قرآن ظهور می‌کند، پس ره‌آورد رسول خدا بالاتر از کتب انبیای پیشین است. مقام و شخصیت معنوی هر پیغمبر در کتاب آسمانی او تجلی می‌کند، مقام موسای کلیم در حدّ تورات و مقام عیسی مسیح در حدّ انجیل جلوه‌گر شده است، انبیای پیشین نیز در حدّ کتب و صحف آسمانی خود ظهور کرده‌اند، وقتی سیطره و فضیلت قرآن بر همه کتابهای انبیای سلف ثابت شود سیطره و فضیلت رسول خاتم نیز بر دیگر انبیا ثابت می‌شود، زیرا پیغمبر در حدّ قرآن است و قرآن، مهیمن است، پس پیغمبر اسلام مهیمن است. «هیمنه» یعنی سیطره و نفوذ علمی، و خدای سبحان این معنا را در سوره مائده، پس از ذکر نام چند تن از انبیا، چنین بیان می‌کند: بعد از انبیای گذشته و به دنبال آثار آنان، عیسی، فرزند مریم را فرستادیم در حالی که تورات را تصدیق می‌نمود و به عیسی مسیح انجیل دادیم... سپس خطاب به پیغمبر خاتم می‌فرماید: ما بر تو قرآن فرستادیم که کتب آسمانی پیشین را تصدیق می‌کند و بر آنها سیطره، اشراف و نفوذ علمی داشته و نمی‌گذارد آنها از دست بروند، تحریف آنها را تصحیح می‌کند، به طوری که موارد تحریف شده آنها را پس از عرضه بر قرآن کریم به خوبی می‌توان تشخیص داده و اصلاح کرد.

۳. خاتمیت رسول اکرم(ص)

از مزایای رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم خاتمیت اوست، قرآن کریم در این مورد می‌فرماید: ما کان محمد أباً أحد من رجالکم و لکن رسول الله و خاتم النبیین[۲]. گذشته از این، شواهد دیگری نیز دلالت قطعی بر خاتمیت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم دارد که صحیفه نبوت پیامبران به وسیله آن حضرت، به پایان رسید. مقصود از خاتمیت، هم تأخر و خاتمیت زمانی و هم خاتمیت رتبی در قوس صعود است. «خاتم» یعنی مهر، که در پایان نوشته‌ها قرار می‌گیرد؛ وقتی نویسنده هر آنچه لازم بود بیان داشت و مقاصد خود را عنوان کرد، پایان نوشتار خود را مهر کرده، ختم آن را اعلام می‌دارد؛ خدای سبحان که با جهانیان سخن می‌گوید، از راه فرستادن وحی برای هدایت انسانها برنامه دارد لذا نه تنها عیسی مسیح، بلکه همه انبیا کلمات الهی هستند انبیا کتاب حق و کلام حقتند. خدای سبحان با فرستادن آنها برای جوامع بشری پیام می‌فرستد. پس از پایان گفتار و کلماتش، سلسله نبوتشان را با فرستادن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ختم، و صحیفه رسالت آنان را با وجود مبارک خاتم المرسلین مهر کرده است پس هرگز جا برای نبوت و رسالت دیگری نیست لذا می‌فرماید: رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم زیور همه انبیا و خاتم آنان بوده، و سلسله

نبوت، با آن حضرت مهر شده و پایان پذیرفته است.

پس همان طور که رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در قوس نزول سر سلسله انسان‌های کامل است چون «أول ما خلق الله» [۳] است، در قوس صعود نیز، اوج و قله غایی رسالت است چون خاتم انبیاست.

از این جمله، نه تنها استفاده می‌شود که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم واجد همه مزایای مشترک، و مزایای فرد انبیا، و بعضی از خصایص ویژه است که انبیای قبلی فاقد آن بوده‌اند بلکه نکته دیگری هم استفاده می‌شود که تا روز قیامت احدی بهتر از پیغمبر اسلام نخواهد آمد، زیرا رسول خدا انسان کامل است و هر چند میلیون‌ها سال بگذرد کاملتر از او نخواهد آمد، و اگر کاملتر از وی یافت می‌شد، حتماً او به مقام خاتمیّت می‌رسید نه رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، و چون تالی باطل است پس مقدّم هم، باطل خواهد بود.

۴. عبودیت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم

بعضی از انسانها تحت تدبیر اسمای جزئیّه حقتد، مثلاً بعضی در حقیقت، عبدالرزاق، عبدالباسط، عبدالقابض، عبدالکریم، یا عبدالجلیل هستند اما پیامبر اسلام «عبدّه» است و پروردگاری مدبّر و مربّی شخصی وی است که نهایی ترین مرتبه را داراست، و در قوس صعود، مقامی برتر از مقام مربوبیّت شخص رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نیست، و آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم منتسب به عالیترین اسم از اسمای حسنی سبّاح است، یعنی «هو» که همان هویت مطلقه است، چون کاملترین عبودیت از آن اوست، جامعترین کلمه به او اشاره دارد و حضرت در قوس نزول از نزد همان مقام تنزل کرده و هویت مطلقه مبدأ ارسال رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است

۵. کلام و سکوت آن حضرت، مظهر کلام و سکوت خداست

خصیصه دیگری که خدای سبحان، برای معرفی پیامبرش ذکر می‌کند این است که می‌فرماید: او حاملی است که کلام و سکوتش مظهر کلام و سکوت خداست، هر چه می‌گوید وحی است، و هر آنچه با وحی دریافت نموده به مردم ابلاغ می‌کند، نه از وحی می‌کاهد و نه غیر از وحی چیزی می‌گوید.

از این جمله معلوم می‌شود در قانونگذاری و مسائل مربوط به سعادت مردم، اگر چیزی وحی نبود هوی است و هوی به باطل منتهی خواهد شد. از تقابل بین وحی و هوی معلوم می‌شود که سخن، یا حقّ است و یا باطل؛ اگر حقّ شد برابر با وحی است و گرنه هوی و هوس. و چون گفته‌های نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم حقّ است پس آنچه را که در مسائل ارشادی و جهان بینی و هدایت بیان می‌دارد وحی است، بحث در باره جزئیّات دنیایی نیست، و این جمله، ناظر به مدعای اوّل، یعنی وحی بودن همه گفته‌های دینی آن حضرت است.

پس پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله و سلم هر چه را یافت به شما گفت و هر چه به شما گفت وحی بود، او هم در اثبات، معصوم است و هم در سلب، منتها افراد باید در پرتو ارتقای فکری، آنها را دریافت کرده بفهمند، این دو اصل نیز از یکدیگر جداست، یکی ناظر به امین بودن اوست که هرگز رسالت را ناقص نکرده، هر چه به او گفتیم ابلاغ می‌کند. و اصل دیگر ناظر به آن است که هر چه می‌گوید گفتار ماست، از خود چیزی بر وحی نمی‌افزاید.

۶. پیامبر گرامی اسلام، قرآن مثل

از برجسته ترین مزایای علمی رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آن است که خدای سبحان قرآن را به او آموخته و حقیقت آن را در قلب مطهر او القا کرده، پس زمانی می‌توانیم سیره علمی رسول گرامی را ارزیابی کنیم که حقیقت قرآن را بشناسیم. هر پیامبری به اندازه کتابش مردم را به حقّ دعوت می‌کند و هر آنچه به عنوان آیه تدوینی کتاب اوست در وجود مبارک آن پیامبر، به عنوان آیه تکوینی و وجود عینی متحقق است، و اگر برای معارف کتاب آسمانی درجاتی هست، برای ولایت و رسالت اولیا و فرستادگان خدا نیز مراتبی خواهد بود، و اگر اکتناه قرآن مقدور همه نیست، لااقل دسترسی به برخی از درجات آن مقدور محققان هست و به همان میزان می‌توان رسول خدا و سیره علمی آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم را شناخت.

۷. تجلیل خداوند در خطاب به آن حضرت

خدای سبحان، از نظر ادب محاوره، حرمتی خاصّ برای خاتم انبیا قایل است که برای انبیای پیشین قایل نبوده، انبیای گذشته را با نام مخصوص آنها خطاب می‌کند، اما هرگز نام مبارک پیغمبر اسلام را به عنوان یا محمد صلی الله علیه و آله و سلم نمی‌برد بلکه همیشه از او با تعبیرات تجلیل آمیز مانند: یا ایّها النبی! یا ایّها الرسول! یاد می‌کند و اگر احیاناً خطاب یا ایّها المرّمّل و یا ایّها المدّثر هست، ناظر بر نکته لطیف تاریخی است.

مثلاً در باره آدم ابوالبشر می‌فرماید: یا ادم اسکن أنت و زوجک الجنة [۴] و در باره نوح می‌فرماید: یا نوح إته لیس من أهلك [۵] و در باره موسی: یا موسی أقبل و لاتخف [۶] و در باره حضرت عیسی: و إذ قال الله یا عیسی ابن مریم [۷] و در مورد حضرت داود: یا داود إنا جعلناک خلیفة [۸]، ولی در باره رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم علاوه بر خطاب جلالت آمیز خود، به بندگان نیز می‌آموزد که: لا تجعلوا دعاء الرسول بینکم کدعاء بعضکم بعضاً [۹]: هرگاه خواستید پیامبر را صدا بزنید او را مانند مردی عادی صدا نزنید، بلکه هم نحوه صدا زدن و هم اصل آن آمیخته با تجلیل و تکریم باشد.

۸. عظمت در اخلاق

خداوند پیامبر خود را به عظمت اخلاقی می‌ستاید: و إنک لعلی خلقٍ عظیمٍ [۱۰] با جمله اسمیه و تأکید، می‌فرماید: تو دارای اخلاق عظیمی هستی، وقتی خدای سبحان از چیزی به عظمت یاد کند، معلوم می‌شود که از عظمت فوق العاده‌ای برخوردار است چون او هر چیزی را به عظمت نمی‌ستاید؛ بسیاری از موارد را با صفت «ضَعْف» یا «قِلَّت» یاد می‌کند، سراسر دنیا را اندک می‌شمرد: متاع الدنيا قليل [۱۱] و از دسیسه‌های شیطان به عنوان: إنَّ کید الشیطان کان ضعیفاً [۱۲] سخن می‌گوید؛ اما وقتی از خلق رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نام می‌برد می‌فرماید: ای پیامبر تو واجد همه ملکات نفسانی در حدِّ اعلا هستی!

۹. رسالت پیامبر برای همه انسانها تا روز قیامت هست

خداوند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را شخصیتی جهانی دانسته و در باره قلمرو رسالت او می‌فرماید: ما تو را برای جهانیان فرستادیم اما بر مؤمنان مِتت نهادیم. این دو نکته در باره قرآن کنار هم آمده است که قرآن کتابی جهانی است: شهر رمضان الذي أنزل فيه القرآن هدي للناس و بیناتٍ من الهدی و الفرقان [۱۳] لیکن تنها اهل تقوا از آن طرفی می‌بندند: ذلک الکتاب لا ریب فيه هدی للمتقین [۱۴] این کتاب برای همه آمده، ولی عده‌ای به عمد خود را از آن محروم کرده‌اند، کتابی جهانی است ولی اهل تقوا و فضیلت از آن بهره می‌گیرند.

در باره رسول خدا نیز این دو تعبیر را دارد، از طرفی می‌فرماید: تو پیامبری جهانی هستی: وما أرسلناک إلا کافّةً للناس [۱۵]، و از طرف دیگر می‌فرماید: لقد مَنّ الله علی المؤمنین إذ بعث فیهم رسولاً مِّنْ أَنفُسِهِمْ [۱۶]: خداوند بر مؤمنان مِتت نهاده پیامبری را از خودشان در میان آنها برانگیخت.

«مِتت» عبارت است از نعمت سنگین و بزرگی که تحمل آن آسان نیست، تنها مؤمن از عهده پذیرش نعمت پیامبری و اطاعت از آن، به خوبی برمی‌آید، نعمت ایمان، رسالت و ولایت چنین است.

حاصل آنکه: رسالت پیامبر برای همه انسانها تا روز قیامت هست ولی تنها مؤمنان از فیض رسالت بهره‌مند می‌شوند و خدا تنها بر آنان منت نهاده و رسول، از بین آنها مبعوث شده است. گرچه بعثت همه انبیا مِتت است اما دو ویژگی خاتمیت و منت بودن بعثت تنها در خصوص پیامبر خاتم آمده است.

۱۰. رأفت و رحمت رسول اکرم(ص)

خداوند در مورد بعضی از انبیا تعبیر برادر کرده می‌فرماید: «برای قوم ثمود برادرشان صالح را فرستادیم [۱۷]، «برای قوم عاد برادرشان هود را فرستادیم» [۱۸]، «... آن هنگام که برادرشان نوح آنها را گفت...» [۱۹] ولی درباره پیامبر اسلام تعبیر برادر نیامده، بلکه می‌فرماید: هو الذي بعث فی الأمیین رسولاً منهم [۲۰] یا اینکه می‌فرماید لقد جاءکم رسول من أنفُسکم عزیز علیہ ما عنتم حریص علیکم بالمؤمنین رؤف رحیم [۲۱]: پیامبری برای شما آمده که از جانتان برخاسته، انحراف شما برای او بسیار سخت است، با حرص و شوق کوشش می‌کند تا شما مؤمن بشوید، او مظهر رأفت و رحمت خدا برای مؤمنان است. خداوند خطاب به پیامبر می‌فرماید، تو مبشر جهانیان هستی اما تنها مؤمنان از تو استفاده کرده آنان را به رحمت خاصه نوید می‌دهی و گرنه توده انسانها از خلق و سبک زیست مردمی تو بهره می‌برند، هر چند به راه نیابند، حد اقل از تیرگی آنها کاسته می‌شود.

علاقه مندان برای مطالعه بیشتر این بحث می‌توانند به کتاب سیره رسول اکرم در قرآن، حضرت آیت الله العظمی جوادی آملی، جلد دوم، صفحات ۲۱ تا ۶۴ مراجعه نمایند.

پاورقی:

- [۱] - سوره صف، آیه ۶.
- [۲] - سوره احزاب، آیه ۴۰.
- [۳] - قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: «أَوَّلُ ما خلق الله نوری» (بحار، ج ۱، ص ۹۷، ح ۷)
- [۴] - سوره بقره، آیه ۳۵.
- [۵] - سوره هود، آیه ۴۶.
- [۶] - سوره قصص، آیه ۳۱.
- [۷] - سوره مائده، آیه ۱۱۶.
- [۸] - سوره ص، آیه ۲۶.
- [۹] - سوره نور، آیه ۶۳.
- [۱۰] - سوره قلم، آیه ۴.
- [۱۱] - سوره نساء، آیه ۷۷.
- [۱۲] - همان، آیه ۷۶.
- [۱۳] - سوره بقره، آیه ۱۸۵.
- [۱۴] - همان، آیه ۲.
- [۱۵] - سوره سبأ، آیه ۲۸.

- [۱۶] - سوره آل عمران، آیه ۱۶۴.
- [۱۷] - سوره اعراف، آیه ۷۳.
- [۱۸] - سوره هود، آیه ۵۰.
- [۱۹] - سوره شعراء، آیه ۱۰۶.
- [۲۰] - سوره جمعه، آیه ۲.
- [۲۱] - سوره توبه، آیه ۱۲۸.